

موج جدیدی از رعب و وحشت بر علیه زنان

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

«نابهنگامی»

نه آن سنگی

که به سویم پرتاب شد

نه آن شلاقی

که بر پشتم فرود آمد

مرا دردی افزود

ولی؛

این نگاه تماشاگران حادثه بود

که پیش از اصابت بر تن

زخم می زدند.

نه؛

ناباک کجا بودم من

آنان؛

ناباکم می دیدند. (کریمه ویدا، شاعر افغانستانی)

رژیم جمهوری اسلامی، موج جدیدی از یورش آشکار و نهان به زنان را آغاز کرده است تا با آفریدن رعب و وحشت آنان را مرعوب نماید. از یک سو آشکارا قوانین ضدزن را تشدید می کند و جان تازه ای بر کالبد متفعن قوانین ضدزن اسلامی و فرهنگ غیرانسانی مردسالاری می دمد. از سویی در نهان «دار و دسته های حزب الله» و «سربازان غیبی امام زمان»، زنان بی پناه را می ربایند و قربانیان خود را پس از شکنجه های وحشیانه می کشند و در کنار خیابان های تهران رها می کنند. این اعمال ضدزن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به طور سیستماتیک بر علیه زنان در جریان است. در این جا به گوشه هایی از این جنایات وحشیانه رژیم علیه زنان در هفته های اخیر اشاره می کنیم.

فاطمه آلیا، نماینده مجلس هفتم از تهران، در مراسم بیست و سومین سالگرد تاسیس جامعه زینب، کنوانسیون رفع تبعیض از زنان را بی معنا دانسته و گفته است: ارزش هایی که امروز مطرح می شود،

مانند این که در آمریکا و اروپا چه می‌گویند یا کنوانسیون منع تبعیض از چه می‌آید چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! او همچنین گفته است: در صدد تشکیل مجموعه‌ای برای پیگیری و تحقق فرمایشات مقام معظم رهبری هستیم که در دوره چهارم و پنجم مجلس هم خواستار آن بودیم، امیدواریم این طرح در این دوره اجرا شود، چرا که قلب رهبر از ما راضی باشد، اما زمان (عج) هم از ما راضی خواهد بود و اگر مجلس هفتم، مجلس خوبی باشد، اما زمان هم سری به آن خواهد زد.» (۱)

در سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی که مبلغ مستقیم نظریات علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است، چنین آمده است: غرق شدن مسئولان کشور در مسایل سیاسی داخلی و خارجی، فرصت مناسبی برای لشکر جرار تهاجم فرهنگی فراهم کرده که متاسفانه موجب پیشرفت سریع این لشکر و پشت سر گذاشتن بسیاری از مرزها و خط قرمزها شده است. این روزها در خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ کشور، مشاهده دختران و زنانی با آرایش‌های غلیظ، لباس‌های محرک، رفتارهای خلاف اخلاق و تعامل غیرشرعی با جنس مخالف، هر بیننده‌ای را به تعجب وامی‌دارد. بسیاری از افرادی که وقتی از شهرهای کوچک و یا خارج از کشور به تهران می‌آیند به ویژه هنگامی که به خیابان‌های بالای شهر می‌روند، با این سؤال جدی مواجه می‌شوند که آیا واقعا به تهران آمده‌اند آیا اکنون در مرکز جمهوری اسلامی ایران حضور دارند آیا آن چه می‌بینند در جامعه‌ای جریان دارد که نظام حکومتی آن، جمهوری اسلامی است یا اشتباه می‌کنند... برای ماموران انتظامی، گویی مراقبت از ترافیک مهم‌تر از جلوگیری از فساد و فحشا است؟!... مردم نیز متاسفانه هیچ سهمی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر ندارند... سرمقاله نویس در پایان مقاله تاکید می‌کند: ... نسخه‌هایی نیز که بعضی صاحب نظران و بعضی صاحب منصبان برای معالجه این بیماری اجتماعی می‌دهند کاملا شناخته شده است؛ حل مشکلات ازدواج، مبارزه با گرانی، تامین مسکن و شغل و... اما سخن بر سر این است که اولاً تا چه زمانی باید نسخه به دست‌ها به دنبال این داروها بروند و آن‌ها را پیدا نکنند و ثانیاً اکنون که این داروها کیمیا شده‌اند و دسترسی به آن‌ها میسر نیست، آیا باید شاهد ساکت رواج روزافزون فساد و فحشا و بی‌بند و باری در جامعه باشیم... (۲)

اعضای فراکسیون زنان مجلس روز دوشنبه ۱۵ تیرماه، با حضور در مرکز حوزه‌های علمیه خواهران سراسر کشور در قم، درباره همکاری و تعامل بیش‌تر به تبادل نظر با مسئولان این مرکز پرداختند. در این جلسه رییس مرکز حوزه‌های علمیه خواهران سراسر کشور با اشاره به مسئولیت سنگین نمایندگان

مجلس گفت: نوک فعالیت‌های دشمن به سمت بانوان ایران است و مساله تهاجم فرهنگی متوجه بانوان و دختران است که باید با دقت و سرمایه‌گذاری در مقابل دشمن ایستادگی کرد و بانوان و دختران را از گرفتار شدن در گرداب تهاجم فرهنگی نجات داد. فاطمه آلیا، نماینده مجلس نیز در این دیدار گفت: برای آن که بتوانیم قوانین اسلامی درباره زنان و خانواده در مجلس تصویب کنیم نیاز به تعامل و تبادل نظر با چنین مراکزی داریم. (۳)

پروانه ازدواج با افغانی‌ها لغو شد. مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور به خانواده‌های ایرانی هشدار داد: برای ازدواج فرزندان خود با اتباع بیگانه حتما پروانه زناشویی از وزارت کشور دریافت کنند. احمد حسینی، به خبرنگاران گفت: براساس مصوبه شورای هماهنگی اتباع در چهارشنبه گذشته به افغانیانی که پیش از طرح آزمایش در سال ۸۰ با دختران ایرانی ازدواج کرده‌اند، در زمان ازدواج اقامت‌شان قانونی بوده است، پروانه زناشویی صادر کرده و مشکل اقامت فرزندان را حل می‌کند. وی تاکید کرد: برای ازدواج‌های پس از این پروانه صادر نخواهد شد. وی همچنین به مشکل جدید ازدواج عراقی‌ها با دختران ایرانی در استان خراسان اشاره کرد و گفت: این ازدواج‌ها از نظر شرعی درست است اما بدون اجازه دولت بوده و همان مشکلاتی که برای افغانی‌ها به وجود آمد را به دنبال خواهد داشت. حسینی، اعلام کرد که تا طی ۱۵ روز مرکز جدید اعزام مهاجرین افغانی در تهران تاسیس خواهد شد. (۴)

خبرگزاری «سینا» که چندی پیش با عنوان «خبرگزاری جامعه جوانان ایرانی»، کار خود را آغاز کرده بود، منحل گردید. به گزارش خبرنگار سایت «بازتاب»، در دومین جلسه شورای سیاست‌گذاری خبرگزاری سینا که امروز به ریاست رحیم عبادی، رییس سازمان ملی جوانان برگزار شد، مقرر شد از این پس، این خبرگزاری به یک سایت خبری با مدیریت روابط عمومی سازمان ملی جوانان تبدیل شود. بنا بر این گزارش، در جلسه هیات دولت، رییس جمهور از عملکرد این خبرگزاری اظهار نارضایتی کرده بود که گفته می‌شود این نارضایتی بیش‌تر به خاطر درج خبر حراج دختران ایرانی در فجیره بوده است. خسرو طالب‌زاده، مدیرعامل این خبرگزاری بود که به توصیه وزیر ارشاد از ایرنا اخراج و در خبرگزاری سینا آغاز به کار کرده بود. هزینه راه‌اندازی خبرگزاری سینا، ۵۰ میلیون تومان و هزینه ماهانه آن ۱۲ میلیون تومان بوده است. (۵)

فاطمه آلیا، در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی «ایلنا» در خصوص تدوین آیین‌نامه‌ای در وزارت کشور

در مورد نحوه پوشش و حجاب گفت: تدوین این آیین‌نامه در جهت حفظ امنیت اجتماعی و قانون اساسی کشور است... عده‌ای در جامعه قصد دارند، هنجارها را بشکنند و بدحجابی را در جامعه مطرح کنند و قطعاً نیروی انتظامی متولی برخورد با این افراد است. وی تأکید کرد: برای حفظ امنیت و آزادی مردم نیروی انتظامی باید با هنجارشکنان برخورد کند. (۶)

بدین ترتیب هنگامی که آشکارا در قوانین، رسانه‌ها، موضع‌گیری مقامات از رهبر تا امام جمعه‌ها و خیابان‌ها زنان مورد تعرض قرار می‌گیرند، همه زمینه‌ها برای سرکوب شدیدتر زنان و حتا کشتن آن‌ها فراهم می‌گردد. هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی، برای تحمیل سیاست‌های ارتجاعی خود زنان را زندانی می‌کند؛ شلاق می‌زند؛ سنگسار می‌نماید و در برخی موارد یواشکی هم زنان بی‌پناه می‌کشد و جنازه قربانیان را در کنار خیابان‌ها رها می‌سازند تا درس عبرتی بیش‌تری برای زهر چشم گرفتن از زنان و کل جامعه باشد. برای نمونه سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی که در بالا اشاره کردیم رسماً و علناً نه تنها به نیروهای انتظامی، بلکه علناً به انصار حزب‌الله، خواهران زینب، نیروهای بسیج و غیره خط می‌دهد که به زن آزاری برخیزند.

روزنامه اعتماد نوشت: پس از پیدا شدن جسد زنی در یکی از خانه‌های متروک فرمانیه، امدادگران سازمان آتش‌نشانی تهران، اجساد دو زن دیگر را هم از درون چاهی در این ساختمان خرابه، بیرون آوردند... نخستین جسد که متعلق به زن جوان بود، روز چهارشنبه گذشته در این خانه متروک پیدا شد...

بنا به گفته پلیس، پرونده قتل بیش از ۱۵ زن در دایره جنایی اداره آگاهی تهران، گشوده مانده است که توسط افراد ناشناس کشته شده‌اند و جسد آن‌ها را در نقاط مختلف تهران پیدا کرده‌اند. جنازه‌های این قربانیان که با ضربات چاقو و یا با روسری و طناب خفه شده‌اند، در کنار خیابان و خرابه‌ها رها شده‌اند. این‌گونه اجساد نیمه‌عریان بوده‌اند و تحقیقات پلیس نشان می‌دهد که در مکان‌های مختلفی مورد آزار و تعرض قرار گرفته‌اند و پس از قتل، اجساد قربانیان را به نقاط خلوتی انتقال داده‌اند... با پیدا شدن اجساد زنان در خیابان‌ها و آپارتمان‌ها که به گفته کارشناسان بیش‌ترشان دختران فراری و زنان خیابانی بوده‌اند...

زن جوانی را با روسری خفه کرده و در جوی آبی در تهران پارس انداخته بودند، زنی را با همان سن و سال خفه کرده و جسدش را در گونی در خیابان گاندی رها کرده‌اند. در جنت‌آباد هم جسدی متعلق به یک زن جوان در کنار خیابان پیدا شد. آخرین جسد متعلق به زن جوانی بود که هفته پیش در پشت دیوار دانشگاه آزاد پونک انداخته بودند و بر پیکرش آثار ضرب و جرح و شکنجه دیده می‌شد. (۷)

زهرا دختر ۹ ساله بود که صبح روز سه شنبه اول اردیبهشت، ماموران کلانتری جسد او را در زیرزمین خانه‌ای در تهران، در حالی که پدرش قصد دفن او را داشت، پیدا کردند. مادر زهرا وقوع این جنایت را به ماموران کلانتری خبر داده شد... مسعود ۳۶ ساله، در بازجویی‌های اولیه اعتراف به قتل دخترش کرد و گفت: «من حکم خدا و سنت پیغمبر را اجرا کرده‌ام.» (۸)

سه روز پس از وقوع این قتل، در جنایت مشابهی در کرمان، پدری نوزاد چهار روزه‌اش را تنها به دلیل دختر بودن او، به قتل رساند. مادر این کودک گفت: «شوهرم در دوره حاملگی و از زمانی که فهمید بچه دختر است مرا زیر مشت و لگد می‌گرفت تا شاید این بچه از بین برود. او از دختر متنفر بود و می‌گفت دختر باعث بدبختی است.» علت مرگ این نوزاد چهار روزه که یاسمین نام گرفته بود ایست قلبی در اثر ضربه به سر و خونریزی مغزی اعلام شده است. پدر این نوزاد که ساعاتی مخفی شده بود، به کلانتری رفت و ۲۴ ساعت بازداشت شد. (۹)

در قوانین جمهوری اسلامی، اگر مردی زن و خواهر خود را بکشد، نه تنها مورد پیگرد جدی «قانون» قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان دفاع از «ناموس» نیز تشویق می‌شود. اما برعکس اگر زنی مرتکب قتل مردی شود، بلافاصله به قصاص محکوم می‌گردد. برای مثال افسانه نوروزی، کبرا رحمانپور و شهلا جاهد در زیر اعدام قرار دارند.

در «قانون مجازات اسلامی»، در ماده ۲۲۰ قصاص آمده است: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد بود.» (۱۰) یا در ماده ۶۳۰ همین قانون می‌خوانیم: «هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آن را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.» (۱۱)

بدین ترتیب، رعب و وحشتی که سردمداران رژیم و ارگان‌ها سرکوب آن راه انداخته‌اند و کشف اجساد زنانی که به شیوه‌های وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌اند، باعث نگرانی مردم و به ویژه زنان و دختران در تهران شده است. فجایع مشابهی نیز قبلاً در شهرهای دیگر ایران، به وقوع پیوسته بود. به عنوان مثال کشتن دختران و پسران جوان در شیراز و یا کشتار زنان بی‌پناه در مشهد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران، با توجه به این که ۲۵ سال است، هم و غم خود را بر سرکوب سیتما تیک زنان در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار داده است، اما زنان مرعوب این رژیم و قوانین ارتجاعی مذهبی و مردسالاری آن نشده‌اند و هم‌چنان به مبارزه آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود ادامه می‌دهند و از هر فرصتی برای شکستن این فضای رعب و وحشت استفاده

می‌کنند. بنا به آمارهای رسمی ۷۰ درصد داوطلبان کنکور امسال را زنان تشکیل می‌دهند. رژیم از ورود وسیع دختران و زنان به دانشگاه‌ها و رشد و آگاهی آن‌ها به حدی به وحشت افتاده است که یکی از بحث‌های مجلس ششم و اکنون مجلس هفتم، بر سر چگونگی محدود کردن ورود دختران به دانشگاه‌ها بوده است. هر چند که دختران بسیاری از خانواده‌های محروم نه تنها در اثر فقر و گرانی، حتا هوس ورود به دانشگاه نیز به ذهن‌شان خطور پیدا نمی‌کند، بلکه بسیاری از دختران از سوادآموزی محروم می‌مانند و از سنین کودکی به کارهای سخت و زیان‌آوری مانند کار در کارگاه‌های قالی‌بافی، مزارع، خدمت‌کاری و... وادار می‌گردند.

یکی از اصلی‌ترین معیارها برای ارزیابی جوامع امروزی شیوه برخورد به مسئله زن و امر آزادی زنان است. اگر زنان در کشورهای اروپایی، با مبارزه طبقاتی توانسته‌اند حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی خود را بر دولت‌ها تحمیل کنند، اما متأسفانه در کشورهای آسیایی و آفریقایی و حتا بخشی از اروپا، زنان نه تنها بی‌حقوق‌تر هستند، بلکه جان و زندگی آن‌ها مورد تعرض و خشونت مرتجعین اسلامی و فرهنگ مردسالاری واقع می‌شوند.

با سرمایه‌گذاری‌های کلان قرن‌هاست که باورهای خرافی مذهبی مبنی بر این که خداوند آدم را از یک مشت گل و حوا را نیز از دنده چپ او آفرید، تبلیغ می‌شود. در تفکر مذهبی زن هم چون شیء منزل که در مالکیت مرد است پنداشته می‌شود. چنین تصویری پوچ و بی‌معنی و اساساً غیرانسانی است. در حالی که نظریه علمی تکامل اثبات کرده است که انسان، از میمون منشعب شده است. بنابراین زن، به عنوان انسان مستقل، هیچ کم و کسری از مرد ندارد.

در چنین شرایطی مبارزه با خرافات مذهبی با اتکا به داده‌های علمی و تلاش برای جدایی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش و عدم دخالت دولت در زندگی خصوصی افراد و لغو حجاب اجباری و همه قوانین ضدزن، همین امروز نیز باید بخشی از مطالبات روزمره فعالین جنبش زنان، جنبش کارگری، جنبش جوانان و دانش‌جویان و همه انسان‌های آزادی‌خواه باشد.

مبارزه زنان در زیر سلطه حاکمان «ملی» و «مذهبی» کشورهای نظیر ایران، به دلیل غالب بودن خرافات مذهبی و دیدگاه اسلامی به زن، هنوز دستاوردهای ماندگاری را کسب نکرده است. قداره‌بندانی نظیر سردمداران جمهوری اسلامی از طرفی با وضع قوانین علیه زنان و از طرف دیگر با سرکوب و کشتار آشکار و نهان آنان سعی می‌کنند زن را هم‌چنان جنس دوم نگاه دارند و نگذارند زن و مرد در کنار هم به مبارزه بر علیه ارتجاع مذهبی و مردسالاری و به طور کلی سیستم سرمایه‌داری برخیزند. جدایی بین زن و مرد و فرودست نامیدن زنان، از هر نظر به نفع سیستم سرمایه‌داری است. هنگامی که زنان از حضور در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منع می‌شوند، به طور طبیعی

نصف جامعه از مبارزه طبقاتی و اجتماعی و حقوق اجتماعی حذف می‌گردد. چنین سیاستی بی‌شک به نفع دیکتاتورهای ملی و مذهبی به خصوص در کشورهای آسیایی و آفریقایی است. شهروندان افغانی بیش از دو دهه است که در ایران به کارهای سخت و طاقت فرسایی وادار می‌شوند، اما شهروند ایران به حساب نمی‌آیند. افغانی‌هایی که نیز با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند و صاحب فرزند شده‌اند شناسنامه ایرانی برای آن‌ها صادر نمی‌شود. فراتر از این افغانی‌ها را به زور به جهنم دار و دسته‌های مذهبی و اشغال‌گران آمریکایی فرستاده می‌شوند. آیا سه چهار میلیون ایرانی که در کشورهای مختلف جهان پراکنده‌اند با چنین رفتارهای غیرانسانی و فاشیستی روبه‌رو شوند چه حال و روزی پیدا می‌کنند؟ بنابراین دفاع از حق انسانی و شهروندی افغانی‌های مقیم ایران، امری ضروری و انسانی است. مسلماً امروزه بیش از هر زمان دیگری از تاریخ ایران، مبارزه طبقاتی در حال رشد و گسترش است. بنابراین بسیار مهم است که فعالین جنبش کارگری کمونیستی و به ویژه احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و تشکلهای کارگری و زنان، در مبارزه متشکل خود اهمیت ویژه‌ای در همه سطوح سیاسی - تشکیلاتی به امر برابری زن و مرد بدهند.

مسلماً با مبارزه متحد و متشکل و دوش به دوش جوانان، زنان و مردان کارگر، کمونیست، آزادی‌خواه و فعالین عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توان مطالبات اقتصادی و اجتماعی روزمره را به رژیم تحمیل کرد و از طرفی در بستر این مبارزه، زمینه را برای تحولات سرنوشت‌ساز تاریخی در جهت رهایی کل جامعه از یوغ و ستم سرمایه‌داری مساعد ساخت.

۱۱ ژوئیه ۲۰۰۴

منابع:

- ۱ - تریبون فمینیستی، ۶ تیر ماه ۱۳۸۳؛
- ۲ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۸ تیر ۱۳۸۳؛
- ۳ - خبرگزاری مهر، ۱۶ تیر ۱۳۸۳؛
- ۴ - خبرگزاری کار ایران، ایلنا، ۱۷ تیر ۱۳۸۳؛
- ۵ - سایت بازتاب، ۱۷ تیر ۱۳۸۳؛
- ۶ - روزنامه همشهری، ۱۸ تیر ۱۳۸۳؛
- ۷ - روزنامه اعتماد، ۱۷ تیر ۱۳۸۳؛
- ۸ - نشریه زنان، چاپ تهران، شماره ۱۰۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳؛
- ۹ - همان منبع؛
- ۱۰ - قانون مجازات جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰، فصل چهارم - شرایط قصاص، ماده ۲۲۰، ص ۷۴؛
- ۱۱ - همان منبع، فصل هفدهم - جرایم علیه اشخاص و اطفال، ماده ۶۳۰، ص ۱۷۴.